مجلس درس علمای شیعه و اهل سنت!

عالمان بزرگ و واقع‌گرا و روشن‌ضمیر از دیرباز توجه داشته‌اند که بحث‌ها و مناظره‌ها مقایسه‌ای در هر زمینه‌ای که باشد (فقهی، کلامی، اصولی، تفسیری و حدیثی) و جز این‌ها دارای سهم بسزایی در تقریب بین مذاهب اسلامی و نیز در رسیدن به هدف شریعت دارد. ازاین‌روی آنان در زمان‌های پیشین در جوهای سالم و آرام و احترام متقابل و بسیار صمیمی و به‌دوراز جمود و تعصب، بحث‌ها و مناظره‌هایی با پیروان مذاهب تطبیقی داشته و با تمام وجود به آن اهمیت می‌دادند. من در بررسی‌های خود در این زمینه یافتم که چه قدر بررسی اندیشه‌های گوناگون در هر زمینه‌ای که باشد باعث تفاهم و تقارب بین آن‌ها می‌شود. ابن‌خلدون در مقدمه‌اش می‌گوید این علم بسی پرفایده و سودمند است و مبانی پیشوایان فقه در ضمن آن شناخته می‌گردد.

برگزاری مجالس علمی

عالمان بزرگ شیعه-اعم از قدما و متأخران-به پیروی از پیشوایان مذهبی خویش نه‌تنها پرداختن به این‌گونه مباحث و مسائل را بااهمیت تلقی می‌کردند، بلکه خود نیز با تشکیل مجامع علمی و شرکت گسترده در آن، به بحث و تبادل‌نظر در این زمینه می‌پرداختند. بجاست برخی از فقهای بزرگی را که دارای این شیوه بوده‌اند در اینجا یادآور شویم.

شیخ مفید

شیخ مفید که یکی از مراجع بزرگ شیعه است دارای این شیوه بود و در بغداد با همه عالمان مذاهب اسلامی بحث‌ها و مناظره‌ها داشت. معروف است که وی تمام آراء و نظرات و فتاوای مذاهب معروف را در حافظه خود داشت. همچنین در عصر شیخ مفید، جامعه اسلامی از درخشندگی ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا در آن زمان علم و دانش و تمدن و فرهنگ امت اسلامی در ابعاد گوناگون به‌گونه چشمگیری پیشرفت داشت و مسلمانان به‌عنوان پیشگامان علم و دانش درخشیدند.

در آن زمان، بغداد علاوه بر اینکه یک مرکز سیاسی به‌حساب می‌آمد، به‌عنوان یک پایگاه علمی و معنوی

نیز محسوب می‌شد؛ ازاین‌رو عالمان بزرگی در آن ظهور کردند و به دلیل موقعیتی که داشت، مرکز تجمع عالمان مذاهب گوناگون اسلامی شد.

همچنین در آن عصر پیروان مذاهب اسلامی درصدد دفاع از بینش‌ها و اعتقادات مذهبی خود برآمدند. آنچه در آن عصر جلب نظر می‌کند این است که عالمان مذاهب این را درک کرده بودند که رشد علم و دانش در دامان اندیشه است و اندیشه نیاز به آزادی دارد و لذا عالمان مذاهب آزادانه به تبادل اندیشه و مباحثه و مناظره می‌پرداختند و در سایه بحث‌ها و مناظره‌ها و برخورد اندیشه‌ها به‌گونه‌ای آزاد بود که زمینه رشد و گسترش فرهنگ اسلامی پدید آمد. البته گاهی درگیری‌ها و برخوردهایی بین آنان به وجود می‌آمد، ولی در برابر آزادی‌های اندیشه و بحث‌های آزاد علمی قابل‌تحمل بود.

یکی از چهره‌های برجسته علمی آن عصر در شهر بغداد شیخ مفید بود که در بیشتر رشته‌های علمی تبحر و تخصص داشت. او در دولت آل‌بویه با اهل هر مذهب و عقیده مباحثه و مناظره می‌کرد[۲] و از راه مباحثات و مناظره‌های علمی از عقاید و ارزش‌های مذهب در برابر آن‌ها دفاع می‌کرد و با آگاهی کاملی که از آراء و نظرات و دلایل پیروان مذاهب دیگر داشت می‌توانست در برابر شبهات و اشکالات آن‌ها پاسخگو باشد.[۳]

شیخ مفید در برخورد با مذاهب گوناگون و ایجاد هماهنگی میان علمای ملل و نحل، نقش بسزایی داشت. وی بحث‌ها و مناظره‌ها و ویژگی‌های مجالس و آراء برگزیده را در کتاب ارزشمندش «العیون» و «المجالس» گردآوری نموده و سپس شاگردش سید مرتضی آن را تلخیص کرده و «الفصول المختاره» نامیده است. این کتاب در دو جزء در نجف اشرف بچاپ رسیده است. سید مرتضی در این کتاب، فصولی از کتاب‌های شیخ مفید به‌ویژه نکته‌هایی از کتاب العیون و المجالس او را گردآوری نموده است.[۴] چنانکه از خلال این کتاب به دست می‌آید آنچه را که مفید بر او املاء کرده بدان افزوده است، پس تردیدی نیست که این کتاب از مفید است و تشکیک برخی از محققان وجهی ندارد.

شیخ مفید به خاطر مباحثات و مناظراتی که با اساتید و عالمان بزرگ مذاهب اسلامی و نیز فرقه‌های گوناگون از قبیل معتزله، مجبره، حشویه، ناصبیه، زیدیه، کیسانیه، اسماعیلیه، قرامطه، مبارکه، ناووسیه، سمطیه، فطحیه، واقفیه، بشریه و جز این‌ها و بخصوص بحث‌هایی که با قاضی ابوبکر باقلانی، عبدالجبار معتزلی، قاضی ابوبکر بن سیار، قاضی عمانی، ابوبکر دقلق، ابوعمر و شطوی و غیره داشته است، در بین آنان از شهرت ویژه برخوردار شده است.

او در مقام بحث امور لازمی را رعایت می‌کرد که از آن جمله است:

۱- برای اندیشه‌ها و افکار مذاهب احترام قائل بود و با متانتی خاص به‌نقد و بررسی آراء می‌پرداخت و هرگاه دلیل متینی را ذکر می‌کردند می‌پذیرفت.

۲- در بحث و مناظره دلیلی را برای آن‌ها یادآور می‌شد که موردپذیرش قطعی آن‌ها قرار گیرد.

۳- مقید بود مناظره و بحث در مسائل نظری در جوی سالم و آرام و به‌دوراز جمود و تعصب و براساس حسن نیت و تفاهم انجام پذیرد.

و بدین‌جهت بود که او توانست فقیهان و متکلمان آن عصر را از طریق برخورد صحیح اسلامی و پسندیده و معقول، فریفته و شیفته خویش کند، به‌گونه‌ای که شخصیت‌های بزرگی از بلاد دور و نزدیک به دیدار او شتافته و همواره مجالس او را کانون گرم بحث‌ها و گفتگوهای فقهی و کلامی قرار می‌دادند.

سید مرتضی

ازجمله آن‌هایی که در شیعه از متقدمین مجالس و محافل بحث و مناظره با علمای مذاهب اسلامی داشته‌اند و به مباحثه و مناظره می‌پرداختند، سید مرتضی صاحب ناصریات و الانتصار بود.

شیخ طوسی

شیخ طوسی صاحب کتاب «خلاف» نیز در مجالس خود بحث‌های مذهبی را مطرح می‌کرد و با روش و اسلوب نیکویی آراء و نظرات را موردبررسی قرار می‌داد.

شهید اول

ازجمله آن‌هایی که در شیعه از متأخرین مجالس بحث و مناظره با علمای مذاهب اسلامی داشته، «محمد بن جمال‌الدین دمشقی» مشهور به «شهید اول»(م ۷۸۶) نام برد. وی که عالمی دوراندیش و والاگهر بود، نه‌تنها به مسئله تقریب مذاهب توجه خاصی داشت، بلکه با شرکت فعال در این‌گونه مجامع به بحث و تبادل‌نظر با علمای مذاهب گوناگون می‌پرداخت. شهید اول برای این منظور، افزون بر اینکه بسیاری از

کتاب‌های فرق اسلامی را مورد کندوکاو قرار می‌داد، برای شرکت در این مجامع، رنج طاقت‌فرسای سفر را نیز بر خویش هموار می‌ساخت. مکانت علمی و ژرف‌اندیشی شهید اول در این بحث‌ها نه‌تنها موجب متعجب شدن همگان می‌شد، بلکه سبب می‌گردد که از علمای مذاهب گوناگون اجازه‌نامه‌های اجتهادی دریافت کند. شهید اول این مطلب را در اجازه‌نامه‌ای که به «ابن خازن» داده است این‌گونه بازگو می‌کند: «حدود چهل تن از عالمان بزرگ اهل‌سنت را که در شهرهای مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق بیت‌المقدس و مقام ابراهیم خلیل بودند، ملاقات کرده و از آنان اجازه روایتی دریافت کردم و اینک از آنان روایت نقل می‌کنم.» شهید اول اضافه بر دریافت اجازه‌نامه‌های اجتهادی از علمای مذاهب، در علوم مقدماتی، چون صرف، نحو، منطق، حدیث و رجال نیز از علمای مذاهب خمسه اجازه اجتهاد داشته است.

این ویژگی از خصوصیات منحصربه‌فرد شهید اول است. امتیازی که برای هیچ‌یک از عالمان و دانش‌پژوهان در تاریخ ثبت نشده است.

شهید ثانی

زین‌الدین بن علی بن احمد معروف به شهید ثانی نیز برای بحث‌ها و مناظره‌ها اهمیت زیادی قائل بود و در کلیه مجالسی که بدین امر اختصاص داشت شرکت می‌کرد.

تشکیل مجالس درس در فقه تطبیقی توسّط علماء شیعه

برخورد مسالمت‌آمیز بین عالمان مذاهب اسلامی درزمینه‌های علمی فقهی کلامی باعث شده بود که فقه را به‌گونه مقارن تدریس کنند و لذا بیشتر عالمان مذاهب اسلامی مجالس تدریس در فقه و کلام مذاهب داشته‌اند. طالبان علم از شیعه در رشته‌های مختلف علمی در درس اساتید اهل‌سنت شرکت می‌کردند و متقابلاً طالبان علم از اهل‌سنت نیز در درس اساتید شیعه شرکت می‌کردند.

شیخ مفید

شیخ مفید در سنین جوانی، در امر تدریس، یگانه استاد عصر خود شد، به‌گونه‌ای که مجلس درس او از رونق و شکوه خاصی برخوردار بود و صدها طالب علم و دانش، بلکه برخی از عالمان بزرگ شیعه و سنی در آن شرکت می‌کردند. چنانچه ابن کثیر در تاریخ خویش می‌نویسد: «و کان مجلسه یحضره کثیر می العلماء من سائر الطوائف...»؛ بسیاری از عالمان از همه طوائف و فرقه‌ها در مجلس درس او شرکت می‌کردند.[۵]

تدریس وی دارای ویژگی‌های خاصی بود ازجمله: مسائل موردبحث را به‌گونه مقارن و تطبیقی در فقه و کلام مطرح می‌کرد.

وی نخستین کسی است که با شیوه یادشده فقه را مطرح و تدریس کرد و بعدها شاگردان او مانند سید مرتضی و شیخ طوسی از او پیروی نموده‌اند. بهترین سند این مدعا، کتاب‌هایی است که آنان در این زمینه تألیف کرده‌اند.

شیخ مفید در تدریس فقه مقارن و تطبیقی از توانایی خاصی برخوردار بود و با بیانی رسا مسائل فقهی و کلامی را از دیدگاه عالمان مذاهب اسلامی را موردبررسی قرار می‌داد. او تحولاتی در فقه و کلام تطبیقی پدید آورد و تربیت‌یافتگان در مکتب وی نقش عمده‌ای در گسترش فقه و کلام تطبیقی داشتند.

همان‌گونه که تعدادی از بزرگان اهل‌سنت در درس او شرکت می‌کردند، او نیز در مجلس درس تعدادی از عالمان اهل‌سنت شرکت جسته بود. ازجمله اساتید او، علی بن عیسی رمانی و قاضی عبدالجبار معتزلی است. نگارنده همه اساتید او از اهل‌سنت را در مقاله‌ای که در مجله کیهان‌فرهنگی، شماره ۴۶ منتشر شد بیان کرده است.

سید رضی

سید رضی که از مفاخر شیعه است نیز دارای شیوه عالمان پیش از خود بوده است. در بین اساتید سید رضی، به افرادی همچون قاضی عبدالجبار معتزلی، علی بن عیسی رمانی، ابوجعفر کنانی و ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن طبری فقیه مالکی برخورد می‌نماییم که از اهل‌سنت بوده‌اند.[۶]

شیخ طوسی

شیخ طوسی در حوزه درسی افرادی چون «ابوالحسن سوار مغربی»؛ «ابوعلی شاذان»، «ابومنصور سکری» که از علمای بزرگ اهل‌سنت‌اند، شرکت می‌جسته است و پس از طی مراحل علمی و رسیدن به مرحله اجتهاد، کرسی درس کلام که از طرف خلیفه وقت «القائم بامر اللّه»(که این کرسی از قدر و منزلت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و کسی بدان دست می‌یافت که در همه علوم سرآمد اقران خود باشد) به وی محول گردید. در مجلس درس وی صدها تن از علمای اهل‌سنت شرکت می‌کردند و تعدادی از آنان نیز از شیخ نقل حدیث می‌نمودند که «ابن حجر» در کتاب «لسان المیزان» از آنان نام برده است.

وی می‌گوید ابوعلی بن جعفر از پدرش وی نیز از ابو طیب طبری و خلال و تنوخی استماع حدیث کرد سپس در مشهد علی (ع) فقیه شیعه و پیشوای آنان شد، ابوالفضل بن عطاف، هبه‌ا سقطی و محمد بن محمد نفی از وی حدیث شنیدند.[۷]

سید مرتضی

سید مرتضی نیز علاوه بر اینکه نزد بعضی از علماء اهل‌سنت تلمذ می‌نموده است خود نیز محل رجوع علمای اهل‌سنت بوده چنانچه از عبارت ذیل استفاده می‌شود: کان هذا الشریف ائمه العراق بین الاختلاف والاتفاق الیه فزع علماؤها و عنه اخذ عظماؤها.[۸]

شهید اول

شهید اول مدتی در دمشق که در آن زمان یکی از مراکز مهم علمی جهان اسلام بوده است، نزد قطب‌الدین رازی عالم و فقیه و فیلسوف اهل‌سنت تحصیل می‌کرده است.

وی در اجازه‌اش برای ابن‌خاذن نسبت به قطب‌الدین رازی می‌گوید:

«یکی از اساتید من پیشوای فضلا، دریای بی‌پایان، قطب‌الدین رازی بود. در سال ۷۶۸ در دمشق به خدمتش شتافتم و از انفاس قدسیه‌اش بهره‌مند گشتم. او به من اجازه داد که جمیع مصنفاتش را در معقول و منقول و نیز مروياتش را، از وی روایت و نقل نمایم.»[۹]

شهید اول همچنان که در نزد عالمان اهل‌سنت نیز درس خواند، شاگردان بسیاری از اهل‌سنت نیز داشت.

شهید ثانی

از متأخرانی که برای تدریس فقه و ابحاث کلامی برای همه طالبان مذاهب کلامی اهمیت مخصوص قائل بود، شهید ثانی است. او نیز در محضر تعداد زیادی از بزرگان اهل‌سنت تلمذ نموده است. وی علم حدیث را از محضر شمس‌الدین بن طولون دمشقی حنفی، هیئت و هندسه را نزد شیخ شهاب‌الدین النجار حنبلی، نحو را از زید الدین مالکی و حساب را نزد شمس‌الدین محمد بن‌عبدالقادر غرضی شافعی آموخت.

خود شهید درزمینه مسافرتش به فلسطین و مصر و اینکه نزد جمعی از بزرگان و دانشمندان اهل‌سنت تلمذ نموده است می‌فرماید:

«در سفر به بیت‌المقدس به حضور دانشمند بزرگ ابی‌اللطف مقدسی شتافتم و قسمتی از صحیح بخاری و مسلم را بر وی قرائت نمودم و از وی اجازه نقل حدیث دریافت داشتم.»

وی پیرامون مسافرتش به مصر (که در آن زمان یکی، صاحب روضات الجنات، رازی را از اهل‌سنت می‌داند ولی صاحب مستدرک الوسایل، او را از علمای شیعی یاد می‌کند. از پایگاه‌های عمده فرهنگی جهان اسلام و مرکز تردد دانشوران اسلامی بوده است) می‌گوید:

در مصر در محضر جماعتی از علما به تحصیل اشتغال ورزیدم، ازجمله شیخ شهاب‌الدین احمد رملی که کتاب منهاج النووی و مختصر الاصول ابن حاجب را نزد وی قرائت کردم و کتب مختلفی را در فنون عربی و عقلی نزدش آموختم و از او نیز اجازه نقل حدیث دریافت داشتم.

این فقیه بزرگ شیعه طبق نقل ابن العودی شاگرد و ملازم شهید در مصر، بیش از هیجده استاد در فقه و حدیث و تفسیر و قرائت و ادب و ریاضیات داشته است.

شهید ثانی پس‌ازاین سیر و سیاحت‌های علمی، درنهایت در بعلبک رحل اقامت افکند و در این شهر مدرسه فقه مذاهب اسلامی را تأسیس کرد و با جا انداختن ضرورت فراگیری فقه مذاهب در جهان اسلام، موجب روی آوردن پژوهندگان این‌گونه مباحث به مدرسه مذکور گردید. شهید ثانی با تسلطی که بر فتاوای کلیه مذاهب داشت، افزون بر تدریس کتاب‌های فقهی مذاهب اسلامی در آن مدرسه مصدری قابل‌اطمینان نیز جهت اخذ فتاوای مذاهب برای پیروان آن‌ها محسوب می‌شد.

این عبارت را قبلاً از ابن العودی نقل کردیم که نسبت به استادش می‌گوید:

«و کنت فی خدمته فی تلک الایام (فی بعلبک) و لا انسی و هو فی اعلی سنام و مرجع الانام و ملاذا الخاص و العام یفتی کل فرقه بما یوافق مذهب‌ها و یدرس فی المذاهب کتبها».[۱۰]

بعلبک یکی از مراکز مهم علمی در آن زمان بوده است که عالمان و پژوهندگان بسیاری از بلاد مختلف اسلامی که دارای مذاهب گوناگون بودند برای کسب علم و دانش بدانجا روی می‌آوردند و بدین‌جهت

می‌توان وی را بعنوان اولین پایه گذار تدریس فقه تطبیقی در شهر بعلبک به‌حساب آورد.

آنچه بسیار شگفت‌آور می‌باشد این است که شهید ثانی با اینکه تلاش‌های بسیاری را برای حفظ وحدت و همبستگی بین مسلمانان مبذول داشت و در این راستا موفق شد که ریشه تفرقه و اختلاف را از اذهان و افکار پیروان مذاهب بیرون برد و همه را با یکدیگر مهربان نماید. با این وصف می‌بینیم که او را به جرم تشیع و به جرم و گناهی که تفرقه خواهان برای او ساختند تا جامعه اسلامی از افاضات این بزرگ‌مرد محروم ماند، به شهادت می‌رسانند.

علامه حلی

علامه حلی که یکی از فقهای بزرگ شیعه است و وی نزد آنان علامه علی الاطلاق نامیده می‌شود، سال‌ها نزد دانشمندانی از اهل‌سنت همچون «شیخ جمال‌الدین حسین بن ابان» و «شیخ برهان الدین نسفی» و «نجم الدین عمر بن علی کاتبی قزوینی شافعی» و «شیخ تقی الدین عبد اللّه بن علی صباغ صنفی کوفی» و «عز الدین فاروقی واسطی» و «شمس‌الدین محمد بن محمد بن احمد الکیشی»، تلمذ نموده است و از «رضی الدین حسن بن علی صنعانی صنفی» اجازه حدیث دریافت داشته است.

متقابلاً دانشمندانی از اهل‌سنت هم نزد وی تحصیل می‌کرده‌اند. قطب‌الدین رازی قواعد علامه را استنساخ و بر وی قرائت نموده و از وی اجازه نقل حدیث گرفته است. علامه درباره وی در اجازه‌ای که برایش نوشته است می‌گوید: «شیخ فقیه، عالم فاضل محقق، مدقق، زبده العلماء و الافاضل، قطب المله و الدین محمد بن محمد الرازی.»

از کسانی که در عصر ما به تدریس ابحاث به‌گونه مقارن، اهمیت بخصوص قائل بود، مرحوم آیت‌ا‌ل‌ا‌لعظمی بروجردی قدس سره بود. او بر این امر بسیار تأکید داشت و می‌فرمود باید فقه شیعه همراه با آگاهی از آراء و نظرات بقیه مذاهب باشد و لذا در بحث‌های خارج خود آراء و نظرات عالمان اهل‌سنت را نیز بیان می‌کردند.

نیز حضرت امام راحل (قدس سره) به این شیوه اهمیت می‌داد و می‌فرمود آگاهی از فقه مذاهب نقش مهمی در اجتهاد و استنباط دارد و حتی در بخش اجتهاد و تقلید از بحث‌های اصولی خود آگاهی از آراء آنان را از شرایط اجتهاد دانسته است.

نگارنده نیز چون سال‌هاست به اهمیت فقه مذاهب آگاهی پیدا و نقش آن را در برخی از مسائل استنباطی کاملاً احساس کردم، لذا قبل از هر چیز هیجده منبع و مبنای فقه اجتهادی و ادوار اجتهاد را از دیدگاه مذاهب اسلامی موردبررسی و تدریس قرار دادم و ابحاث آن‌ها را در دو جلد گنجاندم.

و آن دو کتاب به نام‌های منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی و ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی چاپ شده است؛ و نیز مناسک حج به‌عنوان حج از دیدگاه مذاهب اسلامی در یک جلد، دوره فقه از دیدگاه مذاهب اسلامی که در ضمن مجموعه‌ای در چهار جلد به نام «دروس‌فی‌الفقه‌المقارن» نام دارد. دو جلد آن چاپ و دو جلد دیگر آن آماده چاپ است.

و نیز علوم حدیث و علوم قرآن از دیدگاه مذاهب اسلامی موردبررسی و تدریس قرار گرفت و ابحاث آن‌ها هرکدام چندین مرتبه تکثیر شد و امید است به همین زودی چاپ شوند.[۱۱]

اهتمام اهل‌سنت به فقه تطبیقی

گروهی از بزرگان جامعه اهل‌سنت به فقه تطبیقی اهمیت دادند یکی از آن‌ها که واقعاً در این زمینه نقش داشت و تحولی ارزنده در حوزه علمیه به وجود آورد، استاد شیخ عبدالمجید سلیم است. وی یکی از بنیان‌گذاران فقه تطبیقی در دانشگاه الأزهر است و مرحوم آیها‌ت‌العظمی بروجردی کتاب «مبسوط» را برای او ارسال داشت و وی هر وقت به مجلس شورای افتاء می‌رفت این کتاب را به‌دقت موردمطالعه قرار می‌داد.

پس از او، شیخ محمود شلتوت و شیخ محمد مدنی ازجمله بزرگانی هستند که در این زمینه فعالیت داشتند و در راستای ارائه فقه مقارن و برپایی مجالس بحث و مناظره و تدریس به نتایج ارزنده‌ای دست یافتند.

شیخ محمود می‌گفت: من بسیاری از قوانین مربوط به مسائل خانوادگی را تغییر دادم و مطابق فقه شیعه عمل کردم.
از مطالب گذشته معلوم شد که سیره اهل تشیع و اهل‌سنت در قدما و متأخرین از علما بر این منوال بوده است که هر یک به جهت کسب علم و دانش به شرکت کردن در درس دیگر اساتید مبادرت می‌ورزیدند.
بدین‌جهت امیدوارم این شیوه پسندیده، استمرار یابد و به این امر مهم علمی توجه بیشتری مبذول گردد.

در پایان این بخش از بیانات، یادآور می‌شوم که افرادی می‌توانند در این نشست‌های بحثی و تدریسی شرکت نمایند که دارای این ویژگی‌های باشند:

اعتقاد به اصل تقریب بین مذاهب.

دوری از تعصبات و جمودهای فکری.

احترام برای اندیشه‌ها و افکار دیگران.

برخورداری از سعه‌صدر و حاضر به همکاری مسالمت‌آمیز در بحث‌های عقیدتی.

برخورداری از حسن نیت در این‌گونه مناظره‌ها.

برخورداری از اندوخته علمی لازم و کافی و سابقه فعالیت در این زمینه.

(این یادداشت، کزیده‌ای از یادداشت مؤلف در شماره ۵۹ از مجله کیهان اندیشه در سال ۱۳۷۴ است.)